

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی

**تأثیر رانت نفتی بر جامعه مدنی با استفاده از سنجش سرمایه اجتماعی
(۱۳۶۸-۱۳۸۴)**

استاد راهنما:
دکتر مجتبی عطارزاده

استاد مشاور:
دکتر امیر مسعود شهرام نیا

پژوهشگر:
مهدی کریمی

شهریور ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان





دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی


پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی آقای مهدی کریمی

تأثیر رانت نفتی بر جامعه مدنی با استفاده از سنجش سرمایه اجتماعی (۸۴-۱۳۶۸)

در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۳ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه **خیلی خوب** به تصویب نهایی رسید.

| | | | |
|---|--------------------------|--------------------------|-----------------------------|
|  امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر مجتبی عطارزاده | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
|  امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر امیرمسعود شهرام نیا | ۲- استاد مشاور پایان نامه |
|  امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر علیرضا آقاحسینی | ۳- استاد داور داخل گروه |
|  امضا | با مرتبه ی علمی استادیار | دکتر رزینا مؤیدفر | ۴- استاد داور خارج از گروه |

مدیر گروه علوم سیاسی
دکتر حسین مسعودنیا



من لم یسکر الخلق لم یسکر الخالق

کسی که ساکد از خلق خدا نباشد ساکد از خالق هم نیست.

امام رضا (ع)

پاس بی پایان خویش را به اساتید بزرگوارم جناب آقای دکتر محبتی، عطار ژاوه و جناب آقای دکتر امیر مسعود شمرام نیا تقدیم می‌کنم که اگر لطف و
توجهشان بود، این پایان نامه به سرانجامی نسی رسید. همچنین بر خود لازم می‌دانم تا از جناب آقای دکتر حسین معوذنی استاد بزرگوارم که با طرح
مباحث جامعه‌شناختی، ایده‌ی آغازین پژوهش را به من دادند تشکر نمایم.

تقدیرم به تو!

به تو که آینه شفاف تری

به تو ای مادر خوبم

که به من شیره‌ی جان دادی و مهرت به دلم بسپردی

به تو بابا

که برای همه عمر

کنکده‌ی کاهم هستی

برگ سبزی است

حقیرانه

که تقدیرم ثنا است...

چکیده:

بررسی آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد که اغلب قریب به اتفاق کشورهای دارنده منابع معدنی، رشد کمتری نسبت به کشورهای فاقد این منابع دارند. دولت در این مجموعه از کشورها از درآمدهای مستقل از تولید در جامعه برخوردار است و بعلت وجود این درآمدها، فساد و رانتجویی در این کشورها به مراتب بیشتر دیده می‌شود. در این کشورها جامعه مدنی ضعیف است و توسعه اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. برخی از صاحب نظران علت ضعف در جامعه مدنی را قدرت بالای دولت می‌دانند. اما در پاسخ به چرایی ضعف جامعه مدنی در این جوامع، باید به ساختارهای ارتباطات اجتماعی میان افراد و گروه‌های موجود در این جوامع نیز توجه نمود. به نظر می‌رسد، برخورداری دولت از درآمدهای سرشار ناشی از صدور منابع، تمایل برای بهره‌برداری از این منابع در افراد را بالا برده و در نتیجه افراد با ایجاد شبکه‌های حامی-پیرو دست به رانتجویی می‌زنند و بروکرات‌ها نیز برای برخورداری از این منابع بسوی فساد اداری، مالی و اقتصادی متمایل می‌شوند. این مسائل با آسیب به سرمایه اجتماعی، ارتباطات اجتماعی را دچار آسیب نموده و در نتیجه، جامعه رانتجو، خود به مانعی برای توسعه اجتماعی و تقویت جامعه مدنی مبدل می‌گردد.

با نگاهی گذرا به تاریخ اقتصاد ایران، می‌توان به تمرکز منابع در آن پی برد که در آن حاکمان به عنوان منشاء عطایا، منابع را میان نزدیکان خویش تقسیم می‌نمودند و یا از آنان می‌گرفتند. با پیدایش نفت و تبدیل شدن آن به مهمترین منبع درآمدی دولت، ساختار اقتصادی ایران ماهیتی رانتی به خود گرفت و اقتصاد دولتی همراه با تمرکز منابع در شکلی جدید ادامه پیدا کرد. به نظر می‌رسد ضعف در نهادهای حقوقی و اجتماعی توسعه، مانند تضمین مالکیت خصوصی و نقص در سرمایه اجتماعی و در نتیجه، جامعه مدنی، نقش موثری در عدم توسعه یافتگی در ایران داشته باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود تا تاثیر رانت نفتی بر جامعه مدنی از طریق سنجش سرمایه اجتماعی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آمارهای اقتصادی و آمارهای مرتبط با سرمایه اجتماعی، تلاش خواهد نمود تا ضمن تعریف مفاهیمی همچون جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی، فساد و رانتجویی و بر شمردن تبعات اقتصاد رانتی، اولاً ارتباط سرمایه اجتماعی با جامعه مدنی را روشن ساخته و ثانیاً میزان ارتباط رانت نفتی با سرمایه اجتماعی و در نتیجه تاثیر آن بر جامعه مدنی را بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژگان: سرمایه اجتماعی، رانت، رانتجویی، فساد، جامعه مدنی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول بیان مسئله

- ۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی ۱
- ۱-۲- فرضیه های پژوهش ۵
- ۱-۳- کاربرد پژوهش ۶
- ۱-۴- سوابق پژوهش ۷

فصل دوم سرمایه اجتماعی و کاربردهای آن

- ۲-۱- تاریخچه ۱۰
- ۲-۲- مفهوم سرمایه اجتماعی ۱۲
- ۲-۳- سرمایه اجتماعی از نگاه صاحب نظران مختلف ۱۳
- ۲-۳-۱- پیربورديو ۱۳
- ۲-۳-۲- جیمز کلمن ۱۴
- ۲-۳-۳- رابرت پوتنام ۱۵
- ۲-۳-۴- فرانسیس فوکومايا ۱۵
- ۲-۳-۵- سایر تعاریف از سرمایه اجتماعی ۱۶
- ۲-۴- منشاء پیدایش سرمایه اجتماعی ۱۷
- ۲-۴-۱- دیدگاه نهادی ۱۷
- ۲-۴-۱-۱- نظریه پیوندهای ضعیف ۱۸
- ۲-۴-۱-۲- نظریه شکاف ساختاری ۱۸
- ۲-۴-۱-۳- نظریه منابع اجتماعی ۱۸
- ۲-۴-۲- دیدگاه همیاری ۱۹
- ۲-۵- کارکردهای سرمایه اجتماعی ۲۰
- ۲-۵-۱- کارکرد اقتصادی سرمایه اجتماعی ۲۱
- ۲-۵-۲- کارکرد اجتماعی سرمایه اجتماعی ۲۴
- ۲-۵-۳- کارکرد سیاسی سرمایه اجتماعی ۲۷

| | |
|----|-------------------------------|
| ۳۳ | ۲-۶- اشکال سرمایه اجتماعی |
| ۳۳ | ۲-۶-۱- تقسیم بندی کلمن |
| ۳۴ | ۲-۶-۲- تقسیم بندی فوکویاما |
| ۳۹ | ۲-۷- مؤلفه های سرمایه اجتماعی |
| ۴۰ | ۲-۷-۱- اعتماد |
| ۴۲ | ۲-۷-۲- هنجارها |
| ۴۳ | ۲-۷-۳- شبکه ها |

فصل سوم سرمایه اجتماعی اساس جامعه مدنی

| | |
|----|--|
| ۴۷ | ۳-۱- ارتباط جامعه مدنی با سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی |
| ۴۹ | ۳-۲- تعریف جامعه مدنی |
| ۵۱ | ۳-۳- شرایط شکل گیری جامعه مدنی |
| ۵۵ | ۳-۴- نظریات مطرح شده در باره جامعه مدنی |
| ۵۶ | ۳-۴-۱- جان لاک |
| ۵۸ | ۳-۴-۲- هگل |
| ۶۰ | ۳-۴-۳- کارل مارکس |
| ۶۱ | ۳-۴-۴- آنتونیو گرامشی |
| ۶۴ | ۳-۴-۵- یورگن هابرماس |
| ۶۶ | ۳-۴-۶- میشل فوکو |
| ۶۷ | ۳-۴-۷- دیگر نظریه پردازان |
| ۶۸ | ۳-۵- ویژگیها و عناصر جامعه مدنی |
| ۶۹ | ۳-۵-۱- مشارکت |
| ۷۱ | ۳-۵-۲- رقابت |
| ۷۳ | ۳-۵-۳- تحرک اجتماعی |
| ۷۳ | ۳-۵-۴- تنوع و تکثر |
| ۷۵ | ۳-۶- کارکردهای جامعه مدنی |

| | |
|---|----|
| ۷-۳-۷- نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد و تداوم جامعه مدنی | ۷۷ |
| ۷-۳-۱- نقش اعتماد در شکل‌گیری جامعه مدنی | ۷۸ |
| ۷-۳-۲- نقش هنجارها در تشکیل و تداوم جامعه مدنی | ۸۰ |
| ۷-۳-۳- نقش شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی در تشکیل و جامعه مدنی | ۸۱ |

فصل چهارم تاثیر رانت بر سرمایه اجتماعی

| | |
|---|-----|
| ۴-۱- اقتصاد سیاسی | ۸۸ |
| ۴-۲- رانت | ۸۹ |
| ۴-۲-۱- انواع رانت | ۹۴ |
| ۴-۳- دولت رانتیر | ۹۴ |
| ۴-۴- تبعات دولت رانتیر | ۹۶ |
| ۴-۴-۱- تبعات سیاسی | ۹۶ |
| ۴-۴-۲- تبعات اقتصادی | ۹۸ |
| ۴-۵- رانتجویی | ۹۹ |
| ۴-۵-۱- زمینه‌های شکل‌گیری رانتجویی | ۱۰۰ |
| ۴-۵-۲- پیامدها و اثرات اقتصادی و سیاسی رانتجویی | ۱۰۱ |
| ۴-۵-۲-۱- پیامدهای اقتصادی | ۱۰۱ |
| ۴-۵-۲-۲- رانتجویی و مسئله ناکارایی X | ۱۰۳ |
| ۴-۵-۲-۳- پیامدهای سیاسی و اجتماعی رانتجویی | ۱۰۴ |
| ۴-۶- فساد | ۱۰۶ |
| ۴-۶-۱- تعریف فساد | ۱۰۶ |
| ۴-۶-۲- زمینه‌های شکل‌گیری فساد | ۱۰۸ |
| ۴-۶-۳- انواع فساد | ۱۱۱ |
| ۴-۶-۴- پیامدهای اقتصادی و سیاسی فساد | ۱۱۲ |
| ۴-۶-۴-۱- پیامدهای اقتصادی | ۱۱۲ |
| ۴-۶-۴-۲- پیامدهای سیاسی | ۱۱۴ |

| | |
|---|------------|
| ۷-۴- تاثیر فساد و رانتجویی بر سرمایه اجتماعی..... | ۱۱۶ |
| ۷-۴-۱- تاثیر فساد و رانتجویی بر اعتماد..... | ۱۱۶ |
| ۷-۴-۲- تاثیر فساد و رانتجویی بر هنجارها..... | ۱۱۸ |
| ۷-۴-۳- تأثیر فساد و رانتجویی بر شبکه‌های اجتماعی..... | ۱۱۹ |
| ۷-۴-۳-۱- حامی پروری و شبکه‌های حامی- پیرو..... | ۱۱۹ |
| ۷-۴-۳-۲- پاتریمونیالیسم به مثابه یک شبکه عمودی..... | ۱۲۱ |
| ۷-۴-۳-۳- شبکه‌های فساد به مثابه شبکه های محدود اجتماعی..... | ۱۲۳ |
| ۷-۴-۳-۴- تحلیل پاتریمونیالیسم، حامی پروری و شبکه های فساد..... | ۱۲۴ |
| ۷-۴-۸- راهکارهای مبارزه با فساد و رانتجویی..... | ۱۲۵ |
| فصل پنجم نقش رانتهای نفتی بر تحولات سرمایه اجتماعی در ایران بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ | |
| ۵-۱- ساخت تاریخی اقتصاد متمرکز در ایران..... | ۱۲۹ |
| ۵-۲- فرهنگ پاتریمونیال، رفتار غالب در فرهنگ سیاسی تاریخ ایران..... | ۱۳۰ |
| ۵-۳- تحلیل آماری رابطه درآمدهای نفتی و سرمایه اجتماعی بین سالهای ۶۸ تا ۸۴..... | ۱۳۴ |
| ۵-۴- تاثیر سرمایه داری دولتی بر سرمایه اجتماعی..... | ۱۳۸ |
| ۵-۵- روند تحولات سرمایه اجتماعی در ایران..... | ۱۴۱ |
| ۵-۵-۱- تحلیل شاخص های اعتماد بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴..... | ۱۴۱ |
| ۵-۵-۲- تحلیل شاخص‌های هنجاری سرمایه اجتماعی بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴..... | ۱۴۲ |
| ۵-۵-۳- تحلیل سرمایه اجتماعی از بعد شبکه‌های اجتماعی بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴..... | ۱۴۹ |
| نتیجه گیری..... | ۱۵۱ |
| پیوست شماره (۱) میزان جرائم بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ بر اساس تعداد پرونده های مختومه در هر هزار نفر..... | ۱۵۷ |
| پیوست شماره (۲) مجموع درآمدهای دولت طی سالهای ۶۸ تا ۱۳۸۴..... | ۱۵۸ |
| پیوست شماره (۳) هزینه های دولت طبق برنامه های توسعه اقتصادی- سیاسی و اجتماعی دوم و سوم و بودجه سنواتی هر سال و میزان اختلاف آنها با یکدیگر..... | ۱۵۹ |
| پیوست شماره (۴) رتبه ایران در رتبه بندی سازمان شفافیت بین المللی..... | ۱۶۰ |
| پیوست شماره (۵) میزان وام های اخذ شده توسط کشورهای صاحب منابع نفتی و سایر کشورها..... | ۱۶۱ |
| منابع و مأخذ..... | ۱۶۲ |

فهرست شکل‌ها

صفحه

عنوان

- شکل (۲-۱) نقش سرمایه اجتماعی و کارآمدی دولت بر مناسبات اجتماعی ۳۱
- شکل (۲-۲) چرخه بی اعتمادی و فساد ۳۱
- شکل (۲-۳) سرمایه اجتماعی محدود ۳۵
- شکل (۲-۴) سرمایه اجتماعی عمودی ۳۷
- شکل (۲-۵) شمای یک شبکه با سرمایه اجتماعی افقی ۳۹
- شکل (۳-۱) بروز شکاف عمودی در یک جامعه و تقسیم آن به دو گروه عمده ۶۳
- شکل (۳-۲) میکروفیزیک های قدرت که تعیین کننده نوع روابط اجتماعی در جامعه هستند ۶۷
- شکل (۴-۱) نمودار هاربرگر ۹۱
- شکل (۴-۲) نمودار وضعیت تعادلی در بازار ۹۱
- شکل (۴-۳) نمودار شرایط انحصاری ۹۲
- شکل (۴-۴) نمودار وضعیتهای مالی دولت با توجه به منبع درآمدها و هزینه ۹۵
- شکل (۴-۵) رابطه فساد و رانتجویی ۱۰۷
- شکل (۵-۱) میزان درآمدهای نفتی دولت بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۳۵
- شکل (۵-۲) سهم نفت در درآمدهای دولت بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۳۵
- شکل (۵-۳) سهم هر بخش از درآمدهای دولت بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۳۸۴ ۱۳۶
- شکل (۵-۴) نرخ میانگین جرائم بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۲
- شکل (۵-۵) نرخ سالانه قتل عمد به ازای هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۳
- شکل (۵-۶) میزان خودکشی به ازای هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ ۱۴۴
- شکل (۵-۷) میزان پرونده های مواد مخدر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۳۸۴ ۱۴۴
- شکل (۵-۸) میزان اعمال منافی عفت عمومی به ازای هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۵
- شکل (۵-۹) میزان سرقت به ازای هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۶
- شکل (۵-۱۰) میزان پرونده های ایراد ضرب و جرح بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۶
- شکل (۵-۱۱) میزان پرونده های تخریب اموال در هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۶
- شکل (۵-۱۲) میزان پرونده های اختلاس و جعل در هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۷
- شکل (۵-۱۳) میزان پرونده های تصرف عدوانی در هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۷

عنوان

صفحه

شکل (۵-۱۴) میزان پرونده های صدور چک بلا محل در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۸

شکل (۵-۱۵) میزان پرونده های شرب خمر در هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ ۱۴۸

شکل (۵-۱۶) میزان پرونده های تخلفات رانندگی در هر هزار نفر بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ ۱۴۹

فصل اول

بیان مسئله

بررسیهای اقتصادی بانک جهانی نشان می‌دهد که کشورهای فاقد منابع طبیعی در مقایسه با کشورهای دارنده آن، رشد اقتصادی بیشتری را تجربه می‌نمایند. این کشورها، توانسته‌اند اقتصادی مبتنی بر تولید و صادرات به وجود آورند. در حالیکه اتکای کشورهای دارنده منابع طبیعی، به آن منابع به شکل روز افزونی در حال افزایش است، داده‌های آماری نشانگر آن است که کشورهای دارنده منابع طبیعی، میزان بالاتری از وام‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را از آن خود کرده‌اند و علیرغم این کمک‌ها نتوانسته‌اند در مسیر توسعه گام بردارند. (کارل، ۱۳۸۸: ۶۲)

۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی

به نظر می‌رسد این کشورها دچار «نفرین منابع»^۱ شده‌اند. به عبارت دیگر درآمدهای ناشی از صدور کالای خام، نه تنها نتوانسته‌است به توسعه اقتصادی در این کشورها کمک کند، بلکه با اثرات اقتصادی و اجتماعی خود، توسعه در این کشورها را به تاخیر انداخته‌است. جفری ساچز^۲ و اندرو وارنر^۳ در سال ۱۹۹۵ در مطالعه‌ای که روی کشورهای مختلف انجام دادند، متوجه رشد اقتصادی پایین در کشورهای دارنده منابع طبیعی شدند. آنها علت این پدیده را در نظریه خود با عنوان «نفرین منابع» تشریح نمودند. (Harry, ۲۰۰۹: ۳) در بیان علل رشد پایین اقتصادی

^۱ - Resources curse

^۲ - Jeffrey Sachs

^۳ - Andrew Warner

در کشورهای صادرکننده مواد خام، از عواملی همچون بیماری هلندی^۱، کاهش بلند مدت رابطه مبادله^۲، فراریت درآمدها^۳، اثر جبرانی^۴، افزایش نقش دولت در اقتصاد و اثرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن (استیونس، ۱۳۸۶: ۴۸) نام برده شده است که این موضوع در فصل چهارم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از آنجا که دولت‌ها در کشورهای صادرکننده مواد خام، متولی تولید و صدور آن کالا هستند، حجم دولت در این کشورها افزایش یافته و به مهمترین بخش اقتصادی در این کشورها مبدل می‌شود. اثرات سوء مدیریت دولتی بر منابع اقتصادی، در فصل سوم از همین پژوهش توضیح داده خواهد شد. درآمدهای ناشی از صدور مواد خام، اثرات سیاسی و اجتماعی نیز به دنبال دارد. بوجود آمدن دولت‌های رانتیر که ظرفیت پاسخگویی پایینی در مواجهه با خواست‌های عمومی دارند و بروز پدیده رانتجویی و فساد، از توان استخراجی و بسیج منابع مادی و انسانی در این دولت‌ها می‌کاهد. علاوه بر آن به سبب تضعیف تولید در این کشورها، نیاز به تربیت متخصصان در حوزه‌های مختلف وجود ندارد و از این رو اغلب این کشورها با کمبود سرمایه انسانی مواجه هستند. به سبب استقلال مالی دولت از جامعه، دولت‌های رانتی رویه‌های اقتدارآمیز در مناسبات خود با جامعه در پیش می‌گیرند و در نتیجه در این کشورها، شاهد ضعف نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی هستیم. ضعف نهادی از عمده‌ترین معضلات در این کشورهاست. رویه‌های ثابت و هنجارمند در این جوامع کمتر وجود دارد و دولت‌ها بصورتی خودکامه به اداره امور می‌پردازند. فقدان وجود هنجارهای پایدار در این جوامع، انباشت سرمایه را با مشکل مواجه ساخته است.

^۱ - در دهه ۱۹۷۰ با کشف نفت در دریای برنت و در نتیجه افزایش درآمدهای دولت هلند از محل تولید نفت خام، اقتصاد هلند برعکس آنچه پیش بینی می‌شد دچار رکود همراه با تورم گردید. علت بروز این پدیده افزایش هزینه‌های دولت، افزایش دستمزدها بدون افزایش بهره‌وری و در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید و کاهش قابلیت رقابت صنایع این کشور در بازار جهانی بود. بعلاوه افزایش تقاضا به تورم در بازار دامن زد و واردات بعلت افزایش تقاضا بازارهای داخلی را دچار رکود نمود و همچنین با افزایش نرخ ارز واقعی، وابستگی به واردات تشویق و تولید داخلی تضعیف شد. به این ترتیب پدیده نوظهوری در اقتصادهای رانتی شکل گرفت که آنرا بیماری هلندی می‌نامند. (کارل، ۱۳۸۸: ۶۰)

^۲ - بر اساس دیدگاه پربیش و سینگر، در طول زمان درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی خام، قدرت خرید خود برای خرید کالاهای سرمایه‌ای را از دست می‌دهند و لذا سرمایه‌گذاری توسعه‌گرا با رکود مواجه می‌شود. (استیونس، ۱۳۸۶: ۴۸)

^۳ - فراریت درآمدها به موضوع نوسانات شدید مبادله مواد خام در بازارهای جهانی اشاره دارد که گاه درآمدهایی سرشار را نصیب دارندگان آن می‌کند و گاه ارزش آن کالا آنچنان پایین می‌آید که تولید آن مقرون به صرفه نیست. این موضوع علاوه بر آنکه تعادل در بازار را بر هم می‌زند، امکان اجرای سیاست‌های دوراندیشانه و بلند مدت را کاهش داده و به نااطمینانی از فرآیندهای بازار منجر می‌شود. در نتیجه ریسک سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند. (استیونس، ۱۳۸۶: ۴۹)

^۴ - اثر جبرانی که ارتباط نزدیکی با بیماری هلندی دارد، به ناامن شدن سایر بخشهای اقتصادی در کشورهای صادرکننده مواد خام اشاره دارد. زیرا که سرمایه‌گذاری در بخش صدور مواد خام، انگیزه برای تولید سایر اقلام را کاهش می‌دهد و اقلام مورد نیاز از خارج وارد می‌شوند.

توسعه به معنای رشد مداوم و پایدار اقتصادی و رفاه اجتماعی، نیازمند انباشت سرمایه است. کشورهای توسعه یافته، زمینه‌های انباشت سرمایه را از طریق تضمین مالکیت خصوصی فراهم آورده‌اند. در کشورهای کمتر توسعه یافته، مناسبات اجتماعی تحت تاثیر مناسبات سیاسی است و این دولت‌ها هستند که به صورت‌بندی گروه‌ها در جامعه دست می‌زنند. با توجه به جاجائی قدرت و روی کار آمدن افرادی با سلاقی و اعتقاداتی متفاوت، در این جوامع هنجارهای دائم و پایداری شکل نمی‌گیرد و در نتیجه هنجارها از اعتبار لازم در جامعه برخوردار نیستند. ثمرهٔ چنین وضعیتی، هنجارگریزی و یا هنجارستیزی است. رعایت هنجارها در هر جامعه ای منوط به ۲ عامل اصلی است؛ اول مشروعیت هنجار (عادلانه یا نا عادلانه بودن هنجار) و دوم پایین بودن منافع حاصل از عدم پایبندی به قانون (مؤیدفر، ۱۳۸۵: ۹۹). با توجه به ۲ عامل فوق ۴ وضعیت را می‌توان در نظر گرفت:

۱- در صورتی که مشروعیت هنجارها در یک جامعه بالا باشد و هزینه رعایت هنجارها کمتر از نفعی باشد که فرد از رعایت هنجار می‌برد (منفعت عدم پایبندی به قانون پائین تر از نفع فرد از رعایت هنجار باشد). فرد به رعایت هنجار گرایش دارد.

۲- در صورت پائین بودن مشروعیت هنجار (تبعیض آمیز بودن هنجارها) و پائین بودن منافع حاصل از عدم پایبندی به قانون، انگیزه برای تغییر هنجار افزایش می‌یابد.

۳- در وضعیت بالا بودن مشروعیت (عادلانه بودن هنجارها) در کنار بالا بودن منافع حاصل از عدم رعایت هنجار، انگیزه برای دور زدن قوانین و هنجارگریزی افزایش می‌یابد.

۴- در حالت پایین بودن مشروعیت هنجارها (تبعیض) و بالا بودن منافع ناشی از عدم رعایت هنجارها، انگیزه برای هنجارستیزی افزایش خواهد یافت.

از جمله نهادهایی که از رهگذر درآمدهای ناشی از صدور مواد خام آسیب می‌بیند، سرمایه اجتماعی^۱ است. سرمایه اجتماعی با مولفه‌هایی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها به تسهیل کنشهای اجتماعی کمک می‌کند. سرمایه اجتماعی علاوه بر آنکه از هزینه‌های تولید و مبادله می‌کاهد، بواسطه هنجارها، زمینه‌های لازم را برای انباشت سرمایه فراهم می‌آورد و بواسطه شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات را تسهیل، گردش آزاد اطلاعات را کم هزینه و منابع لازم برای حمایت افراد از یکدیگر را فراهم می‌آورد. سرمایه اجتماعی^۲ نهادی است که افزایش آن توسعه اجتماعی را به همراه می‌آورد و توسعه اجتماعی نیز به نوبه خود زمینه‌های لازم برای توسعه اقتصادی را فراهم

^۱ - Social Capital

^۲ - سرمایه اجتماعی دارای ۳ سطح محدود، عمودی و افقی است که تنها نوع افقی آن باعث توسعه اجتماعی می‌شود. این موضوع در فصل دوم بصورت کامل توضیح داده خواهد شد.

می‌سازد. وجود درآمدهای رانتی با آسیب به سرمایه اجتماعی، از تشکیل سرمایه لازم برای توسعه جلوگیری می‌کند و در نتیجه توسعه را در این کشورها با وقفه مواجه می‌سازد.

از منظر اقتصاد سیاسی، موضوع درآمدهای ناشی از مواد خام در مبحث دولت‌های رانتیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. دولت‌های رانتیر با استفاده از این درآمدها به تنظیم بازار می‌پردازند. دخالت‌های دولت در بازار، ضمن اختلال در روندهای طبیعی بازار، آنرا غیر قابل پیش‌بینی ساخته و اقتصاد را تابع تصمیمات سیاسی می‌سازد. به سبب وجود انحصارات و حجم بالای بروکراسی در اقتصادهای رانتی، فعالین اقتصادی بجای تولید بسوی کسب رانت تشویق می‌شوند. وجود درآمدهای رانتی علاوه بر آنکه انگیزه برای تولید توأم با رقابت در چارچوب قوانین بازار را سست نموده است، از طریق رویه‌های رانتجویانه و فساد آمیز، سرمایه‌های لازم برای توسعه را نیز به نابودی کشانیده است.

رقابت برای کسب رانت و حذف رقبا برای دستیابی به سهم بیشتری از کیک اقتصاد ملی، ضمن آنکه باعث هدر رفت سرمایه‌های مادی و انسانی شده، ثبات اجتماعی به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی برای توسعه را با خطر مواجه ساخته است. تمرکز منابع در دست دولت، بعثت آنکه هر فرد تلاش دارد به تنهایی سهم بیشتری از منابع را در اختیار بگیرد، از شکل گرفتن شبکه‌های افقی و گسترده اجتماعی جلوگیری نموده و در نتیجه، مجموعه‌ای از روابط نابرابر عمودی و یک سویه میان دولت و افراد بوجود می‌آید. در شبکه‌های عمودی به علت فردگرایی منفی و جدایی فرد از دیگران، افراد قادر به تعامل سازنده با یکدیگر نیستند و شبکه‌های اجتماعی افقی در قالب گروه‌های اجتماعی شکل نخواهد گرفت. نبود گروه‌های اجتماعی و تعامل سازنده میان افراد، ضعف در جامعه مدنی را به دنبال خواهد داشت. مجموعاً عدم پاسخگویی دولت نسبت به عملکردهای خود باعث ضعف جامعه مدنی، گسترش فساد و رانتجویی، تصمیمات سیاسی خلق الساعه و سلیقه‌ای، بدون در نظر گرفتن کارایی و بهره‌وری طرح‌های اقتصادی، نهادهای اجتماعی برای انباشت سرمایه و توسعه را دچار خدشه می‌نمایند.

با نگاهی به آمارهای اقتصادی بانک مرکزی و سایر نهادهای اقتصادی کشور، مشخص می‌شود ایران نیز به عنوان دولتی رانتیر، از رشد اقتصادی مطلوب برخوردار نبوده است. افزایش درآمدهای ارزی ایران تابعی از شرایط جهانی حاکم بر بازار نفت بوده و از این منظر، ایران نقش چندانی در تعیین میزان رشد اقتصادی خود نداشته است. به صورت میانگین، در بازه زمانی شانزده ساله از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ نفت، ۵۷ درصد از درآمدهای دولت در ایران را تامین می‌نموده است (ن.ک به پیوست شماره ۱) و با این حساب، اقتصاد ایران اقتصادی تک محصولی و وابسته به رانت نفتی است. تجربه رونق نفتی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ و ۱۹۸۰ در ایران نشان داده است که این منابع نه تنها نتوانسته‌اند باعث توسعه اقتصادی و قطع وابستگی اقتصاد ایران به نفت شوند، بلکه با ایجاد شکاف طبقاتی، رشد و

توسعه ناهمگون، افزایش فساد و پدیده‌های اجتماعی نظیر مهاجرت از روستاها به شهرها، موجبات بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی را به وجود آورده‌اند. این درآمدها از دهه ۱۳۴۰ به بعد، در تبدیل نظام استبدادی پهلوی به حکومتی خودکامه نقشی تعیین کننده داشتند. زیرا درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، از وابستگی مالی نظام سیاسی به جامعه کاست و نظام سیاسی بدون در نظر گرفتن خواست اجتماعی، برنامه‌های خویش را به پیش برد. ثمره توسعه ناهمگون در آن عصر، بروز نارضایتی اجتماعی و نهایتاً انقلاب اسلامی بود.

دولتهای پس از جنگ تحمیلی، با درک نیاز کشور به بازسازی و توسعه، برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تدوین نموده‌اند. در تمامی این برنامه‌ها علیرغم تاکید بر کوچک سازی دولت، کاهش وابستگی به نفت و توسعه پایدار، همچنان شاهد وابستگی عمده اقتصاد ایران به نفت، افزایش حجم دولت و ناتوانی در رسیدن به اهداف تعیین شده در برنامه‌های توسعه هستیم. به نظر می‌رسد از منظر اقتصادی، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی و وجود یارانه‌ها، مجوزها، امتیازات و معافیت‌ها، از شکل‌گیری یک بازار رقابتی که در آن فعالین بخش خصوصی بتوانند به تولید و ارائه خدمات پردازند، جلوگیری نموده‌است. فعالین اقتصادی نیز بجای تولید، تلاش دارند تا با کسب مجوزها و امتیازات، از رانت موجود در دست دولت بهره‌ای ببرند و چون در این رقابت، مشارکت با دیگر افراد باعث کاهش سهم آنها از رانت می‌شود، نیازی به همکاری با دیگران در قالب گروه‌های اجتماعی نمی‌بینند.

۱-۲- فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد رانت نفتی با آسیب به سرمایه اجتماعی، به فعالیت افراد در قالب گروه‌های اجتماعی آسیب وارد می‌آورد و با ترویج هنجار شکنی، نهادهای لازم برای توسعه را تضعیف می‌نماید. از آنجا که دستیابی به رانت نفتی مستلزم نزدیکی به دولت است، افراد بجای اتکا به حمایت‌های اجتماعی، به دولت وابسته می‌شوند و به علت آنکه در اقتصادهای رانتی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی تعیین کننده روند و روال حرکت بازار است، اعتماد لازم به روند بازار به وجود نخواهد آمد.

بی‌اعتمادی شکل گرفته به روند بازار، مانع از تضمین مالکیت خصوصی و انباشت سرمایه می‌شود. همین موضوع فعالان اقتصادی را در انجام امور تولیدی دلسرد می‌نماید. همچنین بواسطه رقابت‌های کاذب و تلاش برای حذف رقبا در فرآیند رانتجویی، اعتماد اجتماعی از جامعه رخت خواهد بست و در فضای بی‌اعتمادی، نمی‌توان شاهد همکاری و مشارکت بود. زیرا اولین گام برای همکاری و مشارکت، اعتماد متقابل طرفهای حاضر برای همکاری

است. اگر اعتماد وجود نداشته باشد، هیچکس حاضر به برقراری ارتباط با دیگری نخواهد بود و حتی هر فرد در قبال دیگری رویه ای خصمانه در پیش خواهد گرفت.

رانتجویی و فساد با آسیب به سومین مولفه سرمایه اجتماعی (هنجارها)، باعث می شود که هنجارستیزی و هنجارگریزی به امری عادی در جامعه مبدل گردد. هنجارها به عنوان رویه های ثابت در روابط انسانی ضمن معنا دادن به این روابط، باعث تداوم ارتباطات اجتماعی می شوند و با نابودی آن، ارتباطات انسانی گسسته می گردد. بروز رقابتهای منازعه آمیز برای دستیابی به منابع موجود در یک جامعه در کنار شکاف طبقاتی و احساس بی عدالتی به گسترش هنجارگریزی و افزایش جرائم در یک جامعه خواهد انجامید. طبیعی است که در چنین وضعیتی نمی توان انتظار همکاری و مشارکت و مانایی گروه های اجتماعی را داشت. این فضا، مستعد آنومی است. در نتیجه احساس ناامنی از شرایط اجتماعی، فرد را بسوی یک قدرت فائقه سوق خواهد داد تا در پناه آن بتواند امنیت خویش را بازابد. سیکل فساد اقتصادی و ناهنجاری های اجتماعی با عدم پاسخگویی دستگاه حاکمه و ضعف یا نبود جامعه مدنی و مشارکت گروهی، باز تولید شده و این وضعیت همچنان ادامه خواهد داشت.

۱-۳- کاربرد پژوهش

در این پژوهش تلاش می شود تا نقش رانت های اقتصادی بر جامعه مدنی از طریق سنجش سرمایه اجتماعی در ایران بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار گیرد. علت انتخاب این بازه زمانی در وهله نخست، آغاز برنامه های توسعه است که در آن به صورتی هدفمند، توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده بود. دوم، با توجه به پایان وضعیت خاص جنگی و پرداختن ایران به مسائل داخلی، عوامل تاثیرگذار خارجی کمتری در اقتصاد ایران وارد می شوند و وضعیتی نسبتاً با ثبات در عرصه اجتماعی و سیاسی ایران بوجود می آید. سوم، تداوم رویه های این برنامه ها از لحاظ اقتصادی است که کارگزاران اقتصادی، از دولت پنجم همچنان حضور خود را در طی این شانزده سال حفظ می نمایند و به نوعی این چهار برنامه محصول برنامه ریزی یک طیف فکری است.

تلاش این پژوهش بر آنست تا به چرایی عدم توفیق برنامه های توسعه در دستیابی به اهداف تعیین شده در این برنامه، مبنی بر قطع وابستگی به صادرات نفت و کوچک سازی دولت و مانایی و پایداری توسعه در ایران پس از جنگ پردازد. تصور نگارنده آن است که علیرغم اجرای برنامه های توسعه، بعلت عدم توجه به نهادهای اجتماعی برای توسعه، این برنامه ها نتوانسته اند اهداف مورد نظر را محقق سازند. به نظر می رسد تداوم ساختار اقتصاد رانته علاوه بر آنکه حقوق مالکیت را خدشه دار نموده است، با رواج پدیده هایی مانند رانتجویی و فساد و ایجاد